

## ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه

دکتر رضا ستاری<sup>۱</sup>

سوگل خسروی<sup>۲</sup>

### چکیده

حضور زن در کنار شخصیت‌های اساطیری و حماسی بسیار متداول بوده است؛ چنان که اورمزد در کنار خود سپندارمذ و اهریمن در کنار خود جهی را دارد. جمشید از خواهران/دختران خود و فریدون و کیخسرو نیز از حضور مادر بهره‌مندند. در این موارد، قهرمان با کمک و همراهی یک عنصر زنانه به کامیابی و پیروزی می‌رسد و این عنصر زنانه در پیشبرد اهداف او بسیار مؤثر است. زنان در این داستان‌ها می‌توانند بازتابی از کهن‌الگوی «آنیما» باشند که در سویه مثبت خویش در نقش‌هایی چون مادر، معشوق وفادار یا پری و با خویشتکاری باروری و زایش‌پدیدار می‌شوند. پری یکی از این نقش‌هاست که با ویژگی‌های خود چون زیبایی توصیف‌ناپذیر، ارتباط با چشمه و آب، ابراز عشق به پهلوانان، آگاهی از اسرار و نهانی‌ها و داشتن قدرت غیب‌گویی و پیشگویی، قدرت و توانایی پنهان شدن و کمک به پهلوانان در جهت رسیدن به اهداف والا و چیره شدن بر دشمنان، در این داستان‌ها ظاهر می‌شود. در این جستار پس از بحثی مختصر پیرامون چیستی «پری»، به بررسی ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** پری، منظومه‌های حماسی، ویژگی‌های پری، پهلوانان حماسی.

### ۱- مقدمه

پری در اوستا، Parika و در فارسی میانه Parik است. این لغت را از ریشه هندواروپایی per به معنی زادن و به دنیا آوردن مشتق دانسته‌اند و «زاینده و بارور» معنی کرده‌اند (حسن-دوست، ۱۳۹۳ ج ۲: ۶۸۲). پری جنس مؤنث جادو و از پیروان اهریمن است که برای گمراهی

rezasatari@umz.ac.ir

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).

Sogol.khosravi@Yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

مزدیسنان گمارده شده است<sup>۱</sup> (عفی‌فی، ۱۳۸۳: ۶۶۹). با وجود چهره اهریمنی پری در دین زرتشتی، پری در ادب فارسی مظهر زیبایی و عشق است؛ زنی اثری که از نیکویی و زیبایی و گاهی از فره نیز برخوردار است که به سبب سودرسانی به مردمان، در مقابل دیو و اهریمن قرار می‌گیرد (شریفیان و آتونی، ۱۳۹۲: ۱۳۴)؛ اما همین چهره مثبت، در آیین مزدیسنا وجهی اهریمنی است که در کنار دیوان و جادوان، در پی نابودی آفرینش اهورایی است. در واقع، پری در فرهنگ و ادب ایرانی، دو چهره مثبت و منفی دارد؛ در چهره مثبت همچون موجودی لطیف و زیبا از نیکی و خوبی برخوردار است که در پی کمک به مردمان و پهلوانان حماسی برای پیشبرد اهدافشان است و در چهره منفی، همچون دیوان و جادوان، موجودی شرور و بدکار است که از طرف اهریمن برای ویرانی و نابودی آفرینش اهورایی گمارده شده است. این چهره ژانوس<sup>۲</sup> وار پری، برآمده از پیشینه این بوده اسطوره‌ای است؛ چرا که به باور پژوهشگران، در باورهای اساطیری، ایده «مادینه» با دو سرشت و چهره متفاوت به گمان درمی‌آید؛ از سویی در پیوند با زمین و آب، همچون مادر نماد زاینده‌گی و زندگی، باروری و برکت و وفاداری و عشق است و از سوی دیگر، رمز تاریکی اعماق، شب، مرگ و غریزه و ناخودآگاهی است (مسکوب، ۱۳۸۱: ۵۰).

سرکاراتی معتقد است این دوگانگی و تناقض از دو برداشت متفاوت ذهنی درباره پری حکایت می‌کند. پری در ابتدا یکی از ایزدبانوانی بوده که در دوران کهن و پیش از دین‌آوری زرتشت در مرکز قداست و ستایش بوده است و آورنده برکت و باران و عشق؛ اما بعدها با ظهور زرتشت و دین‌آوری او و رواج آیین‌ها و ارزش‌های اخلاقی این دین، از جایگاه و شکوه نخستین خویش فروافتاده، به صورت موجودی زشت و اهریمنی درآمده؛ اما خاطره دیرین وی به صورت الهه برکت و باروری و زایش همچنان در ذهن جمعی ناخودآگاه مردمان باقی مانده است (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۱-۲). بنابراین، ویژگی اصلی پری در دوره اساطیری، باروری و برکت است و از همین روی، بنا بر نظر قدما پریان در کنار چشمه‌ها و چشمه‌سارها که منبع جوشش آب است، زندگی می‌کنند و نه تنها بلوغ جسمانی، بلکه بلوغ روحانی فرد هم به ایشان بستگی دارد. پری یکی از جلوه‌های ایزدبانوان کهن بوده است؛ زنی اثری و پنهان در

طراوت چشمه‌ها یا وجودی مبهم و گریزان در جنگل و بیشه و چاه (مزداپور، ۱۳۸۷: ۲۹۰-۲۹۱) که آن را «نماد عشق و جنون و دیوانگی و تسخیر جان» (حسینی، ۱۳۸۷: ۸) دانسته‌اند. بعضی دیگر معتقدند پری در اصل زن-روحانی بوده است که قبل از دین‌آوری زردشت، نزد برخی از اقوام شرقی ایرانی، وظایف دینی ویژه‌ای بر عهده داشته که مهم‌ترین آن غیب-گویی و پیشگویی بوده و در پی دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی پس از زردشت، این پریان به جادوگرانی پتیاره و افسونگر بدل شده‌اند (خسروی‌جاوید، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

«پریکا» (پری)، زنی با ویژگی‌های ناروشن است و این واژه را معمولاً به ساحره برمی‌گردانند. در متون متأخر یشت‌ها، نام پریکا، به صورت تداعی و ملازمت در کنار «یاتو» (افسونگر و جادوگر) آمده است (یشت ۱۰، بند ۲۶ و ۳۴؛ یشت ۱، بند ۶؛ یشت ۴، بند ۳؛ یشت ۵، بند ۱۳) پریان که همچون جادوگران، به افسونگری می‌پردازند، ساحره‌هایی از گوهر آدمی نیستند و منش آنان را باید در پدیده‌های مافوق طبیعت جستجو کرد (کریستن‌سن، ۱۳۵۳: ۲۰).

از پری که از نسل اهریمن (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۲۶۴) و دختر اهریمن دانسته شده<sup>۳</sup> (همان: ۲۷۴)، در مهریشت نیز، در کنار دیوان و جادوان یاد می‌شود (اوستا، ۱۳۸۷ ج ۱: ۳۶۱) و در آبان‌یشت نیز پادشاهان و پهلوانانی چون هوشنگ پیشدادی، جمشید، کیخسرو، گرشاسپ و... با پیشکش کردن فدیة‌هایی برای اردویسور آناهیتا، پیروزی بر دیوان و جادوان و پریان را از او خواستار می‌شوند (همان: ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۰۶).

یکی از جنبه‌های شخصیت پری، ارتباط با ایزدان و پهلوانان است. خویشکاری پری در اسطوره‌های کهن این چنین است که به عنوان ایزد باروری و برکت‌بخشی، هر سال برای خود همسر و معشوقه‌هایی برمی‌گزیند و آن‌ها را فرمانروای شهر می‌کند. در پایان سال، این همسر به دست مرد جوانی که شوهر آینده این زن است، کشته خواهد شد (فریزر، ۱۳۸۸: ۶۷۲-۶۷۵). بنابراین، پریان دلباخته پهلوانان شده آنان را به افسون و جادو وادار به پیوند با خود می‌کنند. در دوره‌ای که پریان به عنوان ایزدبانوان باروری و زایش به سان زنانی زیبا و فریبنده

تصوّر می‌شده‌اند، در اصل «تجسّم ایزدینه میل و خواهش تنی بودند و از هر گونه توان فریبایی و جاذبه و افسونگری زنانه برخوردار داشتند و به پندار مردمان از بهر بارور شدن و زاییدن با ایزدان و نیز شاهان و یلان اسطوره‌ای درمی‌آمیختند و با نمایش زیبایی و جمال خود، آنان را اغوا می‌کردند» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۵).

در *اوستا* نام چند پری آمده است که از اهریمنان و زشتکاران‌اند و برای فریفتن یلان و پهلوانان می‌کوشند. این زنان ساحره در اساطیر ایرانی به فریب و اغوای پهلوانان ایرانی می‌پردازند که این شیفتگی و شوریدگی در دیدار با پری، در روزگار ما به «پری‌زدگی» تعبیر می‌شود (مزدایور، ۱۳۷۷: ۱۰۹). یکی از این پریان، «خشتی‌تی» (*Xnaθaiti*) است که با گرشاسپ، یار و همراه شد. «پس آن‌گاه اهریمن همه‌تن مرگ بیامد و به پتیارگی، پری «خشتی‌تی» را بیافرید که به «گرشاسپ» پیوست» (*اوستا*، ۱۳۸۷ ج ۲: ۶۶۱). این عشق به پری، در بندهش به صورت «پری‌کامگی» به سام منسوب است (فرنیغ‌دادگی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). این بن‌مایه داستانی، در دیگر منظومه‌ها و داستان‌های ادبیات فارسی نیز دیده می‌شود.

بنابراین پری یکی از چهره‌های اساطیری است که در روند تبدیل اسطوره به حماسه، دچار دگردیسی شده، به چهره‌ای دوگانه با ویژگی‌های مثبت و منفی تبدیل شده است. پری در دوران کهن و پیش از دین‌آوری زردشت به عنوان ایزدبانوی عشق، برکت و زایش مورد ستایش بوده و گاهی همچون زن-روحانی، وظایف دینی ویژه‌ای بر عهده داشته است؛ اما در پی تغییر و تحولات اجتماعی، فرهنگی و دینی پس از زردشت، از جایگاه والای خود فروافتاده به موجودی پلید و اهریمنی و جادوگری افسونگر بدل شده که همواره در جبهه اهریمن در پی تباهی و نابودی آفرینش اهورایی است. این ویژگی پری در متون حماسی به شکل اغواگری وی به منظور فریب پهلوانان حماسی نمود یافته است که همچون زن جادو و اغواگر بر سر راه پهلوان ظاهر شده، مانع رسیدن قهرمان به اهداف والایش می‌شود.

## ۲- پیشینه پژوهش

تاکنون درباره خویشتکاری پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه، جز اشاره‌هایی کوتاه در برخی از مقاله‌ها، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

جلال خالقی مطلق در مقاله «یکی داستان است پر آب چشم»، موضوع نبرد پدر و پسر را در چهار روایت حماسی جهان مطرح کرده و پس از شرح داستان رستم و سهراب و نبرد میان آن‌ها، به ارتباط تهمینه و پری پرداخته است. این نویسنده، زنان منظومه‌های حماسی را شکل زمینی و دگرذیسی یافته موجودات اسطوره‌ای چون پری و زن جادو می‌داند که به هدف اغوای پهلوانان حماسی و مانع‌تراشی برای رسیدن به اهدافشان بر سر راه آن‌ها قرار می‌گیرند (خالقی-مطلق، ۱۳۶۱: ۱۶۴-۲۰۵).

مریم حسینی در مقاله «پری در شعر مولانا؛ دیدار با آنیما»، پس از پدیدارشناسی پری، کاربرد و معانی مختلف آن را در شعر شاعران فارسی چون فردوسی، ناصرخسرو، سنایی، سعدی، حافظ و... بررسی کرده و سپس به ترکیبات و تعبیری که در شعر مولانا با پری همراه است، پرداخته و از دیدگاه نقد کهن‌الگویی، آن را به آنیما و زن سوفیایی در ادب عرفانی تعبیر کرده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۱-۲۱).

اسحاق طغیانی و پرویز حیدری، در مقاله «مفاهیم پری در خسرو و شیرین نظامی»، واژه «پری» و ترکیبات و مفاهیم مرتبط با آن را در این اثر بررسی کرده و به ویژگی‌های برآمده از کاربردهای مختلف پری در خسرو و شیرین پرداخته‌اند (طغیانی و حیدری، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۴۰).

آتونی در مقاله «جادو؛ زیرساختی بنیادین در جهان‌بینی اسطوره‌ای»، به پژوهش جادو از منظر نقد اسطوره‌شناختی ژرفا و برون‌روانی پرداخته و برخی از آیین‌های کهن و باورهای اسطوره‌ای چون ازدواج مقدس، قربانی کردن پادشاه و... را در ارتباط با جادو و دو نوع همانندی و مجاورتی آن بررسی کرده است (آتونی، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۵۰).

مهدی شریفیان و بهزاد آتونی در مقاله «پدیدارشناسی زن جادو با تکیه بر شاهنامه و شهریارنامه»، پس از مقدمه‌ای درباره جادو و دو رویکرد متضاد ایزدی و اهریمنی نسبت به آن،

به بررسی پدیدارشناسانه زن جادو پرداخته‌اند که معمولاً بر سر راه قهرمانان حماسی قرار می‌گیرد و با اعمال جادویی خود به قصد کامجویی از آنان سعی در اغوای پهلوانان حماسی دارد. نویسندگان همچنین با پیگیری ردّ این موجود اهریمنی در دو منظومه حماسی شاهنامه و شهریارنامه و مقایسه آن با پری بد (اهریمنی)، به بررسی زن جادو از منظر روان‌شناسی تحلیلی یونگ پرداخته‌اند (شریفیان و آتونی، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۶۷).

در پژوهش حاضر به ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه پرداخته می‌شود.

### ۳- بررسی ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه

ردّ پری را در منظومه‌های حماسی گرشاسب‌نامه، سام‌نامه، بهمن‌نامه، برزنامه، فرامرزنامه و بانوگشاسب‌نامه می‌توان پیگیری و ویژگی‌هایش را در مواردی چند دسته بندی کرد. برخی از این ویژگی‌ها می‌تواند خویشکاری ویژه خود را داشته باشد.

#### ۳-۱- زیبایی بی حدّ و وصف و خیره‌کننده پری

در سنت ادب فارسی، پری از زیبایی بی‌حدّ و وصفی برخوردار است. آن‌قدر زیباست که هر که او را ببیند، چنان عاشق و دیوانه می‌شود که هرگز نمی‌تواند او را فراموش کند و از این حال به «پری‌زدگی» تعبیر می‌کنند (شمیسا، ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۲۹). این زیبایی خیره‌کننده کارکرد دوسویه دارد؛ گاه موجب فریفتن و اغوای قهرمانان شده، آن‌ها را از مسیر درست منحرف می‌کند و گاه با فریفتن دشمنان قهرمانان، یاریگر آنان در رسیدن به اهدافشان است.

در منظومه بانوگشاسب‌نامه، یک بار شاهد حضور پری هستیم. آنجا که پری‌ای به نام «عین» که شاه پریان بوده، اسیر جادوی «سرخاب» می‌شود و بعد از نابود شدن سرخاب جادوگر به دست بانوگشاسب، همچون جوانی زیبا ظاهر می‌شود:

که رخ ماه، قد همچو سرو روان  
مطیع رخس شاه تا بنده بود

ز ناگاه پیدا بشد یک جوان  
به دیدار چون ماه تابنده بود

یکی جام در دست آن نازنین      پیر از لعل و یاقوت و درّ ثمین  
یکی پرنیان کرده سرپوش او      که بگرفته بد تا سر و دوش او  
(بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۵۷)

در منظومه بهمن‌نامه نیز، در سه جایگاه، پری که عاشق پهلوانان داستان می‌شود، به سان گوری یا آهویی سر راه آنان قرار می‌گیرد و به عنوان صید، آن‌ها را به دنبال خود به سرزمینی خرم یا قصر زیبایی می‌کشاند و سرانجام چون دختری زیبا بر ایشان ظاهر شده، به پهلوانان ابراز عشق و علاقه می‌کند. روزی بهمن تصمیم می‌گیرد برای شکار به شکارگاه برود، در آنجا آهوی زیبایی را می‌بیند و به قصد شکار آن آهو به دنبال او می‌رود؛ اما ناگهان آهو ناپدید می‌شود و بهمن به جایی زیبا همچون بهشت می‌رسد و در آنجا اسلم و دخترش را که عاشق بهمن است، می‌بیند و اسلم ماجرای عشق دخترش به بهمن و یاری و کمک پریان به او در کشاندن بهمن به آن مکان را برایش بازگو می‌کند:

بدو گفت کای شاه ایران زمین      خداوند روم و خداوند چین  
کشیدمت ای‌در به چندین فسون      بزودی همی بازگردی کنون  
... بدو گفت اسلم مرا هست نام      هم نام و هم شادکامی و کام  
به فرمان من گشته یکسر پری      مرا دختر است این بدین دلبری  
به روی تو بر فتنه و شیفته ست      دلش فرّ و زیب تو بفریفته ست  
چو آگاه گشت از تو ای شهریار      که آهنگ کردی به دشت و شکار  
بیامد به پیش تو آهو نمود      به چاره ترا ای‌در آورد زود  
اگر خواهی او را تو از من بخواه      میان در نیاید که باشد گناه  
(ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۲۸۱ - ۲۸۲)

همچنین روزی که برزین‌آذر به شکار می‌رود، آنجا گوری می‌بیند و به دنبال آن روانه می‌شود که ناگهان گور ناپدید شده، شخص زیبایی - که دختر بوراسب است - در مقابل دیدگان برزین‌آذر قرار می‌گیرد و او را به صحرا و جایگاه پدرش، راهنمایی می‌کند و همین مقدمه‌ای برای ازدواج آن دو می‌شود (همان: ۵۰۸).

روشنه دختر خاقان چین نیز با یاری پری همچون آهوئی بر سر راه رستم تور قرار می‌گیرد و او را به بند می‌کشد و همچون پری زیبایی بر او ظاهر می‌شود (همان: ۵۷۲).

در *سام‌نامه* نیز با پریان زیبارویی چون شسمه و رضوان روبه‌رو می‌شویم. زیبایی بی‌حد رضوان پری، موجب عاشق شدن شاپور می‌شود که از عشقش نسبت به رضوان برای سام می‌گوید (*سام‌نامه*، ۱۳۹۲: ۲۶۴).

و در وصف زیبایی بی‌نظیر شسمه پری می‌خوانیم:

دو چشم سیاهش چو ترکان جنگ	ز ابرو کمان و ز مژگان خدنگ
فکنده به گلبِ برگ مشکین زره	شکن بر شکن بد، گره بر گره
... به خورشید رخشنده افکنده دام	و یا هاله بر گرد ماه تمام
لب لعل شیرین او پر شکر	و یا درج یاقوت و در وی گهر
زبان در دهانش خرد را روان	و یا غنچه در برگ گل بد نهان
ذقن سیب و در سیب دلگیر چاه	و یا قطره آبی معلق ز ماه
... ز بالای او سرو مانده خجل	از آن رو بمانده ست پایش به گل

(همان: ۳۴۰-۳۴۱)

وقتی سام اسیر طلسم نابینایی تنبل جادوگر می‌شود، تسلیم‌شاه و رحمان بعد از آگاه شدن از اسارت سام در دست کوش نیم‌تن و اسیر شدن در طلسم تنبل جادوگر، از شسمه پری برای نابودی تنبل و رهایی سام کمک می‌گیرند. شسمه بر تنبل جادوگر ظاهر می‌شود و با زیبایی و فریبایی خود به تنبل ابراز عشق کرده، او را فریب می‌دهد و راه غلبه بر افسون و جادوی او را می‌یابد و با این روش موجب فریب و نابودی دشمن سام می‌شود (همان: ۳۳۶-۳۳۷).

یکی از ماجراهای *گرشاسب در اوستا*، فریفته‌شدن او به دست پری «خنثی‌تی» است که اهریمن او را در هفتمین کشور اهورامزدا، «وئِه‌کِرتِه» (*vaakereta*) که همان کابل است آفریده است (*اوستا*، ۱۳۸۷ ج ۲: ۶۶۱). در *گرشاسب‌نامه*، این پری شکل انسانی به خود می‌گیرد و به ماجرای عشق‌ورزی جمشید با دختر شاه زابل وارد می‌شود. در این تبدیل و جابه‌جایی از کابل به زابل، ویژگی جادویی و نیرنگ کابلیان به دایه آن دختر منتقل می‌شود. جمشید بعد از این که



از دست ضحاک فرار می‌کند، به زابلستان، که شهری زیبا و خرم چون بهشت است، می‌رسد و با دختر زیبای گورنگ شاه روبرو می‌شود؛ بنابراین، در *گرشاسب‌نامه* نیز پری در قالب دختر زیبای گورنگ شاه متجلی می‌شود (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۲-۲۳). جمشید در باغی زیبا کنار چشمه‌ای، دختر زیبای گورنگ شاه را می‌بیند:

رزان دید بسیار بر گرد دشت	بر آن جویبار و رزان برگذشت
دو صف سرو بن دید و آبی و نار	زده نغز دکانی از هر کنار
میان آبگیری به پهنای راغ	شنا بر در آب شکن گیر ماغ
... یکی باغ خرم بد از پیش جوی	در او دختر شاه فرهنگ جوی

(همان: ۲۴)

در *فرامرزنانه* نیز وقتی فرامرز به باختر زمین و مرز چین می‌رسد، در بین راه به دشتی خرم رسیده، ناگهان آهوی زیبایی بر سر راه او و یارانش قرار می‌گیرد، فرامرز به دنبال آهو به مرغزاری چون بهشت می‌رسد و در آنجا با دختر شاه پریان روبرو می‌شود:

یکی ماه‌رخ دید چون ارغوان	نشسته به نزدیک آب روان
به بالا به سان یکی نارون	سیه زلف مشکین شکن بر شکن
به رخسار خوش‌تر ز باغ بهشت	تو گفستی ز جان دارد آن مه سرشت

(*فرامرزنانه* بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۹۰-۲۹۱)

در منظومه *برزونامه*، تجلی پری و خویشکاری‌های او در رفتار و کردار مطربی به نام سوسن رامشگر قابل پیگیری است. سوسن رامشگر، مطرب دربار افراسیاب تورانی است که با دیدن جزع و فرع و بی‌تابی‌های افراسیاب از اتحاد و همبستگی رستم و برزو و ناتوانی‌اش در مقابل آنها، به او قول می‌دهد که با مکر و فریب و چاره‌گری زنانه خود، پهلوانان ایرانی را فریب داده، به بند درآورد.<sup>۴</sup> در واقع، چنین قولی از طرف سوسن رامشگر و تلاش او برای فریب دادن و وسوسه کردن پهلوانان ایرانی یادآور خویشکاری پری در اغوای پهلوانان و یلان است. سوسن رامشگر بر سر راه پهلوانان ایرانی، در کنار چشمه‌ساری خیمه می‌زند و برای فریب پهلوانان آن را همچون بهشت می‌آراید و همه ملزومات زیبایی و فریبندگی را در آن

قرار می‌دهد:

چو آمد دوره پیش نیرنگ‌ساز  
بدان راه خالی یکی چشمه آب  
به نزدیک چشمه بیفکند رخت  
بر این چشمه آب خیمه بزن  
به خیمه درون بزمگاهی بساز  
یکی سفره از مرغ بریان و نان  
بیارای مجلس چو خرم بهار  
بدان راه دستان و خسرو فراز  
یکی دز به نزدیک لیکن خراب  
بدان ساربان گفت کای نیک‌بخت  
چنان چون بود درخور انجمن  
بیاور ز هر گونه چیزی فراز  
بیاور به نزدیک من تازنان  
چنان چون به توران بر شهریار  
(کوسج، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

از طرف دیگر، در میان پهلوانان ایرانی که بر سر برتری جویی و قدرت‌طلبی جدال درگرفته‌اند، طوس به قهر مجلس را ترک می‌کند و رستم برای بازگرداندن او پهلوانان دیگری چون گیو، گودرز، گسته‌م، بیژن و فرامرز را در پی می‌فرستد. طوس که با خشم بارگاه را ترک کرده است، در میانه راه گورخری را می‌بیند و برای شکار او به دنبالش می‌رود؛ این گورخر که دامی است برای فریب دادن پهلوان و به دام انداختن او، او را به سمت خیمه‌گاه سوسن رامشگر می‌کشاند. او با زیبایی و دلربایی خود و با وسوسه‌های خوردنی‌های رنگارنگ، پهلوانان را فریب داده، به بند در می‌آورد (همان: ۱۷۹-۱۸۰). بنابراین زیبایی خیره‌کننده پریان با خویشکاری اغواگری آن‌ها برای به دام انداختن و فریفتن پهلوانان حماسی مرتبط است.

### ۳-۲- ارتباط پری با آب و چشمه

یکی از ویژگی‌های پری به عنوان ایزدبانوی زایش، برکت و باروری، ارتباطش با آب و چشمه است که موجب بارندگی، برکت محصولات و سال نیکو می‌شود (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۱۶). بنابراین، چشمه‌ها، چاهسارها و رودخانه‌ها یکی از محل‌های ظهور پریان است؛ «سلسله انساب پریان در اصل به زمین-مادر می‌رسد؛ اما جریانی تاریخی بنا بر ساز و کاری خاص، آن‌ها را از سطح زمین به عمق آن فرو برده، جایی که پریان در روشنایی ماه، روح آب‌ها و

نباتات دیده می‌شوند ... و اغلب روی کوه‌ها، نزدیک گودال‌ها و سیلاب‌ها یا در اعماق جنگل - ها، نزدیک غارها و لجه‌ها، در کناره رودخانه‌های خروشان یا کنار چشمه‌ها ظاهر می‌شوند» (شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۲۲۱).

در منظومه *سام‌نامه*، پری حضور بسیار چشمگیر و گسترده‌ای دارد و شاید بتوان گفت این پری است که با حضور خود از ابتدای منظومه و همچنین در روند داستان، سلسله‌جانبان بسیاری از رویدادهای این منظومه است. در آغاز منظومه، وقتی سام به شکارگاه می‌رود، ناگهان گوری به سمت او می‌آید و توجه سام را به خود جلب می‌کند. در واقع پری در ابتدا با خویشکاری اغواگری خود به منظور فریفتن پهلوان و بر اساس خویشکاری زاینده‌گی و باروری خود برای آمیزش با پهلوان حماسی بر او ظاهر می‌شود. سام در پی آن گور می‌رود و به قصری زیبا در کنار چشمه‌ای می‌رسد که ناگهان دختری زیبا ظاهر می‌شود که همان پری عالم - افروز است. سام وارد کاخ می‌شود و با دیدن تصویر پریدخت دلباخته او شده و در پی یافتن او، روانه دیار چین می‌شود (*سام‌نامه*، ۱۳۹۲: ۸).

همچنین، رضوان پری، دختر تسلیم جنی، شاه پریان، نیز بر سر چشمه‌ساری که جایگاه پریان است، سام را می‌بیند و نوید وصال پریدخت را به او می‌دهد (همان: ۲۳۹). در منظومه *فرامرزنانه*، فرامرز دختر فرطور توش، شاه پریان، را کنار چشمه‌ای در مرغزاری زیبا می‌بیند:

سپهد سوی چشمه آمد پگاه  
بدان تا بشوید تن از گرد راه  
یکی ماه‌رخ دید چون ارغوان  
نشسته به نزدیک آب روان  
(*فرامرزنانه* بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۹۰)

در *برزونامه* نیز چنان که بیشتر اشاره شد، سوسن رامشگر خیمه خود را کنار چشمه‌ای بر پا می‌کند و برای فریب پهلوانان آن را همچون بهشت می‌آراید (کوسج، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

در *گرشاسب‌نامه* نیز جمشید، دختر گورنگ شاه را در باغی زیبا، کنار چشمه‌ای می‌بیند (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۴). بنابراین ارتباط پری با آب و چشمه، بازتابی از خویشکاری کهن و اسطوره‌ای او به عنوان ایزدبانوی زایش و باروری است که در افسانه‌ها و حکایت‌های عامیانه

و حماسه‌های ملی بروز و ظهور یافته است.

### ۳-۳- زندگی در سرزمین و قصرهای زیبا

یکی از ویژگی‌های پری، زندگی در سرزمین‌ها و قصرهایی زیبا همچون بهشت، بر بالای کوه‌های بلند است. پریان در قصه‌ها و افسانه‌ها، لایق باشکوه‌ترین و در عین حال جادویی‌ترین قصرها هستند؛ قصرهایی ساخته شده از خشت طلا و آراسته به جواهر که وصف آن را درباره قصر پری عالم افروز می‌بینیم:

یکی کاخ دید اندر او چون بهشت  
عقیقیش دیوار و زرینه خشت  
(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۸-۹)

قصرهایی که «در شب می‌درخشند؛ اما در یک لحظه محو می‌شوند و چیزی جز وهم و خیال از خود باقی نمی‌گذارند» (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۲۱۹)؛ همچون قصر زیبای پری عالم‌افروز که ناگهان ناپدید می‌شود و اثری از آن باقی نمی‌ماند. سام به همراه عالم‌افروز وارد آن کاخ زیبا می‌شود و با دیدن تصویری از پریدخت، دختر فغفور چین، دلباخته او شده، از هوش می‌رود و وقتی به هوش می‌آید، نه از پری خیری است و نه از قصر باشکوه او:

چو سام یل از خاک سر بر گرفت  
ز مهر رخس چهره در زر گرفت  
نه گلزار دید و نه قصر بلند  
نه بستان‌سرای و نه نیلی‌پرنده  
(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۱۳)

در *فرامرنامه* نیز، قصر فرطور توش که شاه پریان است، قصری زیباست که خاک و خشت آن از مشک و زر است:

یکی کاخ بود از خوشی چون بهشت  
همان خاک او مشک و زر بود خشت  
(*فرامرنامه* بزرگ، ۱۳۹۴: ۳۱۰)

و وقتی فرامرز و یارانش به دنبال آهو که همان دختر شاه پریان است، به راه می‌افتند، به مرغزاری زیبا چون بهشت می‌رسند (همان: ۲۸۹-۲۹۰).

در *بهمن‌نامه* نیز وقتی بهمین به دنبال آهوئی زیبا که همان دختر اسلم است، می‌رود، به سرزمینی زیبا همچون بهشت می‌رسد و در آنجا اسلم و دختر زیبایش را که عاشق بهمین

است، می‌بیند (ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۲۸۱). نیز روشنه، دختر خاقان چین، به کمک پری، همچون آهوپی بر سر راه رستم تور قرار می‌گیرد و او را به بند می‌کشد و به جایی خرم و زیبا همچون بهشت می‌برد (همان: ۵۷۲).

در *گرشاسب‌نامه*، قصرهای زیبای پریان جای خود را به شهر بسیار زیبای زابلستان می‌دهد که جایگاه دختر گورنگ شاه است و جمشید در باغی همچون بهشت آن دختر زیبا را می‌بیند (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۴).

این ویژگی پری به عنوان موجودی زیبا و ماورایی که در قصرها و سرزمین‌هایی دوردست مسکن دارد، علاوه بر خویشکاری اغواگری آن که با نمایش زیبایی و دلربایی خود در پی فریب پهلوانان و قهرمانان حماسی است، می‌تواند نمودی از آنیما باشد. برای آنیما دو جنبه روشن و تاریک قائل شده‌اند که یک سویه آن خیر و سویه دیگر آن فریبکاری است (فوردهام، ۱۳۸۸: ۸۷). آنیما با سویه مثبت و روشن خود در دورترین نقطه ذهن ناخودآگاه قهرمان نهفته است و دست‌یابی به آن، موجب کمال و خودآگاهی بوده و نهایت خواست و آرزوی آدمی است. کهن‌نمونه آنیما که بخشی از ناخودآگاه جمعی بشر است، «تجسم تمامی گرایش‌های روانی زنانه در روح مرد است» (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۷۰) که گاه به صورت آنیمای خوب و گاه به شکل آنیمای بد متجلی می‌شود؛ یعنی این محتویات گاه به صورت الهه‌ای آسمانی درمی‌آیند و گاه در هیئت خدایی دوزخی (مورنو، ۱۳۸۶: ۶۳). آنیما در سویه مثبت خود گاه به شکل زنانی «پری گونه» فرافکنی می‌شود؛ به گونه‌ای که مرد کم و بیش هر چیز افسون‌کننده‌ای را به آن‌ها نسبت می‌دهد و درباره آن‌ها انواع خواب‌ها را می‌بیند که پرداختن به آن و برقراری روابط درست با آن، موجب انکشاف و رشد شخصیت فردی و خودآگاهی می‌شود (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۷۵-۲۷۸).

### ۳-۴- ابراز عشق و علاقه به پهلوانان

پریان به عنوان ایزدبانوی زایش و باروری، همچون زنان جوان زیبا و فریبنده‌ای تصور می‌شدند که تجسم ایزدینه میل و خواهش تنی بوده از هرگونه توانایی فریبایی و افسونگری خود در راستای به دام انداختن و اغوای شاهان و پهلوانان، به منظور بارور شدن و زاییدن بهره می‌-

گرفتند (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۵). این کارکرد جنسی - شهوانی پری یکی از بارزترین و مهم‌ترین ویژگی‌های اوست و برگرفته از خویشکاری زاینده‌گی و باروری پری است که در معنی اصلی نام «پری» به معنی «زاینده و بارور» (همان) منعکس شده و این چنین مسئولیت برانگیختن عشق و میل به آمیزش را بر عهده داشته است. در این منظومه‌های حماسی نیز پریان چه به عنوان یکی از طرفین عشق و چه به عنوان واسطه دل بستن دو تن به یکدیگر، همواره به قصد باروری و زایش، در پی اغوا و به دام انداختن قهرمانان حماسی هستند. در *سام‌نامه*، پری عالم افروز دام‌های زیادی می‌گسترده و با جادویی‌ها و تهدیدهای خود در پی کامجویی از سام است:

همین گلشن و قصر ز آن من است      کجا عالم‌افروز نام من است  
... کنون تشنه وصلم، آبی بده      می عشق دادی، کبابی بده  
(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۹)

در *بهمن‌نامه* نیز دختر اسلم که عاشق بهمن است، به مدد و یاری پریان در سیمای آهویی، بهمن را به درون حصاری زیبا می‌کشاند و اسلم که شاه پریان است از عشق دخترش به بهمن می‌گوید (ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۲۸۱-۲۸۲). همچنین نقش و ردّ پریان در آشنایی برزین آذر و دختر بوراسب و ازدواج رستم تور با روشنه، دختر خاقان چین، کاملاً قابل پیگیری است (همان: ۵۰۸ و ۵۷۲-۵۷۳).

یکی دیگر از نمونه‌های ابراز عشق و علاقه به شاهان و پهلوانان حماسی را در منظومه *گرشاسب‌نامه* در ابراز عشق دختر گورنگ شاه به جمشید می‌بینیم:

پدر دان مرا شاه زابلستان      ندارد به جز من دگر دلستان  
وز او مر مرا هست فرمانروا      که جفت آن گزینم کم آید هوا  
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۶)

... ترا ام کنون گر پذیری مرا      بر آیین به جفت گیری مرا  
(همان: ۳۳)

آرزو، دختر شاه پریان نیز، با قرار گرفتن بر سر راه فرامرز، موجب برانگیختن عشق فرامرز و عاشق شدن او می‌شود:

دلش پر شد از مهر آن ماه‌روی  
 ز چشمه روان گشت با درد جفت  
 که ای نامداران روشن‌روان  
 پری برد از من دل و هوش و جان...  
 (فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۹۱)

### ۳-۵- قدرت تغییر چهره

پریان به عنوان موجودات خارق‌العاده، از قدرت و توانایی تغییر سیما برخوردارند (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۲۱۸) و خود را به چهره‌های گوناگون درآورند. پری در ادب و منظومه‌های حماسی فارسی اغلب به شکل صیدی گریزپا در مقابل قهرمانان ظاهر می‌شود و آن‌ها را به دنبال خود می‌کشاند. در *سام‌نامه*، پری عالم‌افروز در قالب گوری خود را به سام می‌نماید و این گونه او را از لشکرش جدا می‌کند و به قصر خود رهنمون می‌شود و سپس به شکل دختری زیبا در می‌آید:

من آن گور فربه‌سرینم که سام  
 به افسون جدا کردم از لشکرت  
 همی خواست کش سر درآرم به دام  
 به خدمت ستادم کنون بر درت  
 (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۸-۹)

در *بهم‌نامه* نیز دختر اسلم در شکارگاه همچون آهوپی زیبا بر سر راه بهم‌ن قرار می‌گیرد و بعد به دختری زیبا تغییر شکل می‌دهد و به او ابراز عشق می‌کند (ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۲۸۱-۲۸۲). همچنین دختر بوراسب و روشنه دختر خاقان چین، نیز با یاری پریان و نیروهای آن‌ها در سیمای آهوپی سر راه قهرمانان قرار می‌گیرند (همان: ۵۰۸ و ۵۷۱-۵۷۲).

در *فرامرنامه* نیز، دختر فرطور توش به شکل آهوپی بر سر راه فرامرز قرار می‌گیرد و سپس همچون دختری زیبا بر او آشکار می‌شود (فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۹۰).

در *بانوگشسب‌نامه*، زمانی که فرامرز و بانوگشسب به شکار می‌روند، ناگهان پری‌ای به نام «عین» که شاه پریان بوده، اسیر جادوی «سرخاب» می‌شود و به شکل گوری که در حال فرار از شیری بوده، بر بانوگشسب و فرامرز ظاهر می‌شود و به دست بانوگشسب از شر سرخاب نجات می‌یابد (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۸).<sup>۵</sup>

در *برزونامه* نیز سوسن رامشگر برای فریب پهلوانان ایرانی همچون گوری بر سر راه آنان قرار می‌گیرد و ایشان را به خیمه‌گاه خود می‌کشاند و با زیبایی و دلربایی خود و با وسوسه خوردنی‌های رنگارنگ، پهلوانان را فریب داده، به بند در می‌آورد (کوسج، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۸۰).

### ۳-۶- آگاهی از اسرار و نهانی‌ها و قدرت پیشگویی

یکی از ویژگی‌های پری که برگرفته از نقش او به عنوان زن-روحانی در دوران کهن است، قدرت آگاهی از اسرار و نهانی‌ها و توانایی پیش‌گویی و غیب‌گویی است (دلاشو، ۱۳۶۶: ۲۴۷). در برخی منظومه‌ها، پریان به غیب آگاهند و به کمک همین آگاهی‌شان، قهرمان را در رسیدن به اهدافش یاری می‌کنند. در *بهم‌نامه*، برزین‌آذر بعد از دیدن دختر بوراسب، که در ارتباط با پریان است و دعوت او به خیمه‌گاه پدرش، در مسیر رفتن به خیمه‌گاه، به کودک چوپانی می‌رسد که از حال و احوال و اهداف برزین‌آذر آگاه است. او همچنین از قدرت پیش‌گویی برخوردار است که این نیرو برگرفته از ارتباط او و دختر بوراسب با پری است:

یکی کودکی در میان گل‌ه	گل‌ه بر در و دشت کرده یله
زده بر سر چوب تکیه چنان	کجا باشد آیین و کار شبان
بدو گفت پرمایه برزین تویی	ز خون فرامرز پرکین تویی
به کاری که داری به پیش اندرون	ترا بخت باشد بدان رهنمون
برو کامد اکنون گه کام تو	به خورشید تابان رسد نام تو
بگفت این و بر شد میان رمه	شگفتی بماندند گردان همه

(ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۵۱۰)

در *سام‌نامه* نیز آنجا که پرینوش، دختر عموی پریدخت، وصف عشق سام و علاقه شدید او را به پریدخت، برایش بازگو می‌کند، پریدخت می‌گوید که از آن عشق آگاه بوده است:

پریدخت زان مهر پر در گرفت	دلش مهر دیرینه از سر گرفت
... که از کار سام یل آگاه بود	دلش با وی و دیده بر راه بود
... که کار آگهانش هم از بهر کام	خبر داده بودند از عشق سام



در آن کار با او پری یار بود ز بهر پریدخت در کار بود

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

بنابراین، پری که یار و همراه پریدخت است، همان‌گونه که پیشتر گفته شده، به واسطه توانایی‌اش در آگاهی از اسرار و رازها و قدرت غیب‌گویی و پیش‌گویی خود، از قبل پریدخت را از عشق آتشین سام نسبت به او آگاه می‌کند. یاری و همراهی پریان با پریدخت را در جای دیگر منظومه، وقتی پریدخت به دستور پدرش، برای جدا ماندن از سام، در سردابه‌ای زندانی و مخفی شده است، می‌توان دید. پریدخت که بعد از سه ماه زندانی بودن در سردابه، دلش برای سام تنگ شده، ناله و زاری می‌کند و از بخت بد خود شکایت می‌کند، ناگهان پری رضوان، دختر تسلیم جنی، شاه پریان، بر او ظاهر می‌شود و او را از حال سام آگاه کرده، نوید نجات و وصال معشوق را می‌دهد (همان: ۲۳۹).

«رجمان» یکی دیگر از پریان و دوستان سام است که از توانایی پیش‌گویی برخوردار بوده و سرانجام جنگ سام و پیروزی او بر دشمنانش را پیش‌گویی می‌کند (همان: ۳۲۸).

### ۳-۷- قدرت پرواز

اعتقاد به توانایی و قدرت پرواز پری، علاوه بر ارتباطش با قدرت ساحری و افسونگری و توانایی او در پنهان شدن و ناپدید شدن ناگهانی، برگرفته از این عقیده است که پری را «موجود متوهم صاحب پر» (لغت‌نامه، ذیل «پری») می‌دانستند که می‌توانسته پرواز کند و با سرعت زیادی از جایی به جای دیگر منتقل شود. در واقع پری را پیکی از عالم دیگر و اغلب به شکل پرنده تصور می‌کرده‌اند (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۲۱۸). «ممکن است لفظ پری از ترکیب کلمه «پر» با «یای نسبت» ساخته شده و به معنی موجودی باشد که پر دارد یا قادر به پرواز است» (محبوب، ۱۳۶۳: ۷۶). در سام‌نامه، به قدرت پرواز پری اشاره شده است؛ آن‌گاه که عالم‌افروز، از روی حسادت به خاطر هم‌صحبتی سام با دختری زیبارو، سام را می‌رباید و دوباره از او طلب عشق می‌کند؛ اما این بار هم با جواب سرد و منفی سام روبرو می‌شود.

سام که از کینه‌جویی و قدرت انتقام‌گیری پری آگاه است، به او دل‌داری داده، نوید عشق می‌دهد. عالم‌افروز نیز می‌پذیرد و با قدرت جادویی و ماورایی خود، سام را به جایگاهش

برمی گرداند (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۵۴). همچنین به توانایی پرواز پری رضوان، که یاریگر و ناجی پریدخت در سردابه فغفور چین است، اشاره شده است؛ رضوان پریدخت را از آن سردابه نجات داده، به سوی سام می برد (همان: ۲۴۰).

در بانوگشسب‌نامه نیز، پری عین به واسطه قدرت جادویی و ماورایی خود از توانایی ناپدید شدن برخوردار است (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۵۷).

همچنین در فرامرزنامه، پری، بعد از این که بر فرامرز آشکار می شود و از نام و نسبش می گوید، ناگهان ناپدید می شود:

منم دختر شاه فرطور توش	جهاندار با فر و با رای و هوش
کجا بر پری سر به سر پادشاست	ز برج بره تا به ماهی و راست
بگفت این و در چشمه شد ناپدید	دل پهلوان از غمش برطپید
	(فرامرزنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۹۱)

### ۳-۸- کمک به قهرمان در جهت پیشبرد اهدافش

یکی از ویژگی های پری، تلاش او برای یاری رساندن به قهرمان حماسی است که نمونه بارز آن را در سام‌نامه به شکل یاری پری به سام و پریدخت و هموار کردن مسیر وصال عاشق و معشوق و همراهی و یاری رساندن به سام در نبرد با دشمنان می بینیم. در سام‌نامه، تسلیم جنی که شاه پریان است به همراه دخترش، رضوان و پری شمس که دختر رجمان جنی است، همراه با سپاه پریان و جنیان در جای جای منظومه به یاری و کمک سام در مقابل دشمنانش می شتابد و با قدرت جادویی خود، سام را از نیرنگ و افسون آن‌ها آگاه و راه نجات و رهایی از شر آن‌ها را برای او هموار می کند.

همچنین وقتی سام در طلسم و جادوی «عاق عاد»، که از عادیان بود، اسیر می شود، تسلیم جنی، فرهنگ دیو را برای نجات سام و از بین بردن طلسم عاق جادوگر به مغرب زمین می فرستد، عاق کشته می شود و سام از طلسم دیوار شیشه ای نجات می یابد (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۲۹۱).

بار دیگر وقتی سام اسیر طلسم تنبل جادوگر، که از نیم تنان بود، می شود، شمس پری، دختر

رجمان جنّی به کمک او می‌شتابد و سام را از طلسم نابینایی تنبل می‌رهاند (همان: ۳۲۳). وقتی سام اسیر طلسم نابینایی تنبل جادوگر می‌شود، تسلیم‌شاه و رجمان بعد از آگاه شدن از اسارت سام در دست کوش نیم‌تن و اسیر شدن در طلسم تنبل جادوگر، از شمسۀ پری برای نابودی تنبل و رهایی سام کمک می‌گیرند. شمسۀ بر تنبل جادوگر ظاهر می‌شود و با زیبایی و فریایی خود به تنبل ابراز عشق کرده، او را فریب می‌دهد و راه غلبه بر افسون و جادوی او را می‌یابد و این چنین با زیبایی خود موجب فریب و نابودی دشمنان سام می‌شود (همان: ۳۳۶-۳۳۷).

شمسۀ پری بار دیگر در گشودن طلسم جمشید همراه سام است و او را راهنمایی می‌کند و راز و رمزهای گشودن طلسم را برای سام بازگو می‌کند. در مسیر رفتن به طلسم جمشید، آن‌ها به گنبد و پیری جادوگر برخورد می‌کنند که سام با راهنمایی شمسۀ، آن پیر را می‌کشد تا اسیر جادو و طلسم پیر نشود:

بدو گفت پیری است جادونژاد      کز او شد گرفتار قل‌وادراد  
کتابی است او را ز افسونگری      نوشته ز افسون دیو و پری  
چو او را ببینی نخستین بکش      که بند طلسم است آن تیزهش  
(همان: ۴۱۰)

بعد از کشتن پیر جادوگر، ناگهان دیوی پلنگان نام که همچون ابری سیاه و تار بود، بر آن‌ها ظاهر می‌شود که سرانجام به دست شمسۀ هلاک می‌شود (همان: ۴۱۵).

سام با راهنمایی شمسۀ، مرغ عظیم و سترگی را که بر در دژ بود، می‌کشد<sup>۶</sup> و این چنین در دژ گشوده و سام وارد آن می‌شود. هنگام ورود با خاک جوشنده و خروشنده زمین دژ روبرو می‌شوند که مانع رفتن آن‌هاست. بعد از راز و نیاز سام و طلب یاری از پروردگار، ناگهان ماری از زمین سر در می‌آورد و پری‌ای که از سپاهیان و یاران شمسۀ بود آشکار می‌شود و با دادن تیر و کمان، راه رهایی از مار را به سام و شمسۀ می‌نماید (همان: ۴۱۹). با کشتن مار و پایان یافتن جوشش زمین، ناگهان قصر زرّینی پدید می‌آید که در آن پندنامه‌ای از آن طهمورث برای سام و همچنین شمشیری از آن جمشید برای نابود کردن دشمنان و اهریمنان قرار دارد. بنابراین، در همه مراحل گشودن طلسم جمشید، شمسۀ پری همراه و راهنمای سام است.

در *بهمن‌نامه* نیز وقتی دختر اسلم همراه بهمین روانه می‌شود، در راه با فرامرز که در پی بهمین بود، برخورد می‌کند. بهمین که به نظر می‌رسد در مقابل قدرت و دلاوری فرامرز تاب مقاومت ندارد، با کمک دختر نجات می‌یابد (ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۲۸۴).

### ۳-۹- ارتباط پری با آتش

یکی از ویژگی‌های پری ارتباطش با آتش است. در اعتقادات عامه، گاهی میان پری و جن تفاوتی نیست و هر دو را یکی می‌پندارند (شریفیان و آتونی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). «ناصرخسرو در جامع‌الحکمتین از دو گروه از آفریدگان خداوند یاد می‌کند: یکی جن که آن را به پارسی «پری» گویند و دیگر انس، یعنی مردم» (حسینی، ۱۳۸۷: ۲) و همان‌گونه که اصل جنیان از آتش است، اصل پری را نیز از آتش می‌دانند (*لغت‌نامه*، ذیل «پری»). در فرهنگ نمادها، آتش عنصری دوجنبه‌ای دانسته شده که هم جنبه اهریمنی دارد و هم جنبه الهی (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۶۰-۶۱) که هر دو جنبه آن در منظومه‌های حماسی قابل پیگیری است؛ در *بهمن‌نامه*، دختر اسلم به خاطر ارتباطش با پریان و نیروی ماورایی آن‌ها، برای محافظت از بهمین به آتشی تبدیل شده، به فرامرز حمله می‌کند تا بهمین بتواند از چنگ او رهایی یابد و این چنین موجب نجات پهلوان می‌شود:

سپهد کمان را فرو کرد زه	بدان تا زند بر دو دستش گره
چو دختر چنان دید گشت آتشی	چنان کرد آتش چنان دلکشی
در افتاد و اندر سپهد بتفت	فرامرز چون دید ماند او شگفت
همی تا فرامرز آتش بکشت	شهنشاه ایران بدو داد پشت

(ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۲۸۴)

در *برزنامه* نیز سوسن رامشگر با برپا کردن آتشی، توجه پهلوانان ایرانی را به خود جلب می‌کند تا آن‌ها را به دام خود بکشاند (کوسج، ۱۳۸۷: ۱۷۸-۱۷۹).

در *فرامرزنامه* نیز دختر شاه پریان با برپا کردن آتشی فروزان در بلندای کوهی، توجه فرامرز و یارانش را به سمت خود جلب می‌کند و آن‌ها را به مرغزاری خرم می‌کشاند و سپس همچون آهوئی بر سر راه فرامرز قرار می‌گیرد (*فرامرزنامه بزرگ*، ۱۳۹۴: ۲۸۷). در *سام‌نامه*،

خاتوره جادو سام را با آتش افسون می‌کند (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۵۱۶-۵۱۷) و مرجان جادو نیز در رویارویی با سام با آتشی که از دهان خود می‌دمد، به سام حمله می‌کند:

... چو بشنید مرجان سرش خیره شد	جهان پیش چشمش همه تیره شد
به افسون درآمد به سام سوار	که تا بر سر آرد و را کارزار
دهان را چو غاری ز هم برگشاد	بدو دود آتش همی سر گشاد
همه باغ پر شد ز آتش به دم	سپهد شد از آتش او دژم

(همان: ۳۵۷)

در جهانگیرنامه نیز، راحیله جادوگر با نیرو و قدرت جادویی خود، همچون آتشی هولناک بر جهانگیر و سپاهش حمله می‌کند (مادح، ۱۳۸۰: ۳۲۲).  
ارتباط پری با آتش را می‌توان متأثر از خویشکاری زایش و باروری پری که برگرفته از آتش شهوت و میل و خواهش تنی آن در ارتباط و آمیزش با پهلوانان و قهرمانان حماسی است، دانست.

#### ۴- نتیجه‌گیری

پری در منظومه‌های حماسی از ویژگی‌ها و نقش‌های بسیاری برخوردار است که هر یک از این ویژگی‌ها می‌تواند با یکی از خویشکاری‌های پری در پیوند باشد. مهم‌ترین ویژگی‌های پری در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه، عبارت است از: ارتباط با چشمه و آب که برگرفته از خویشکاری زاینده‌گی و باروری پری است، زیبایی و دلربایی بی‌حد و اندازه، زندگی در قصرها و باغ‌های زیبایی همچون بهشت، برپایی جشن‌ها و بزم‌های شادی که با خویشکاری اغواگری پری، کامجویی و خواهش جسمانی و تلاش او برای فریب و به دام انداختن پهلوانان حماسی مرتبط است. همچنین ارتباط پری با آتش برگرفته از خویشکاری زایش و باروری و میل و خواهش جسمانی او در ارتباط و آمیزش با پهلوانان است که همه این ویژگی‌ها برآمده از خویشکاری پری به عنوان ایزدبانوی باروری در ایران باستان است. از دیگر ویژگی‌های پری می‌توان به کمک به قهرمانان حماسی و نقش مهم او در پیشبرد اهداف و مقاصد آن‌ها اشاره

کرد که نمودی از آنیمای مثبت و روشن پری است که موجب رشد و کمال و خودآگاهی پهلوانان و قهرمانان می‌شود. قدرت تغییر چهره، داشتن توانایی و قدرت پرواز، ناپدید شدن، آگاهی از اسرار و نهانی‌ها و قدرت پیشگویی، ویژگی‌های دیگر پری است که یادآور ویژگی افسونگری و قدرت سحر پری در *اوستاست* که پری را چون ساحره، موجودی افسونگر - دانسته است. بنابراین پری هم ویژگی‌های مثبت و هم ویژگی‌های منفی دارد که این وجهه دوگانه و نگاه مثبت و منفی نسبت به پری برگرفته از نگاه اخلاق‌مدارانه دین زردشتی نسبت به پریان است که موجب افول آن‌ها از مقام ایزدبانویی زایش، برکت و باروری و گاه تبدیل آن به موجودی شرور و جادویی شده است که این وجهه منفی پری، در واقع بازتابی از سوئه مخرب و ویرانگر کهن‌الگوی آنیماست که در مقابل جنبه مثبت و روشن آن به عنوان بازتابی از روی مثبت کهن‌الگوی آنیما قرار می‌گیرد و مانع رسیدن قهرمان به اهداف والا و کمال و خودآگاهی می‌شود؛ اما در این منظومه‌های حماسی، پری نقش و خویشکاری اولیه خود را بازمی‌یابد و همچون زنی اثری، مظهر عشق و زیبایی می‌گردد و به عنوان راهنمایی راستین در جهت هدایت پهلوانان و تحقق اهداف آن‌ها و رسیدن به کمال و خودآگاهی، یاریگر قهرمانان است.

#### یادداشت

۱- پری را در ارمنی، به نام ایرانی دیگری یعنی «یورژهرسونک» (Yaverzahersunk) نیز می‌خوانند (کریستن‌سن، ۱۳۵۳: ۱۳۵) که خویشکاری این موجود در تباه کردن آفرینش اهورایی و وسوسه کردن پیروان مزدیسنا، یادآور آپسارا (Apsara) های هندی است که وسوسه کردن زهاد و نساک کار همیشگی آن‌ها بوده است (ستاری، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

۲- ژانوس (Janus)، یکی از قدیمی‌ترین خدایان رومی است؛ خدایی با ویژگی‌هایی چون درستکاری، فراوانی، کمک به جنگاوران و... که او را معمولاً با دو چهره تصویر می‌کردند؛ یکی به چپ و دیگری به راست، یکی به صلح و دیگری به جنگ (گریمال، ۱۳۴۷ ج ۱: ۴۷۹-۴۸۰ و اشمیت، ۱۳۸۳: ۲۳۸).

۳- در *اوستا* «جهی» یا «جهیکا» به معنی زنی است «که به روسپیگری در پی آشنون و ناآشنون، مزدپرست و دیوپرست و نیکوکار رود» و تجسمی از ماده دیوی است. جهی نام دختر اهریمن است

که یاریگر و همراه اهریمن در نابودی جهان اهورایی است. او فریبنده و اغفال‌گر مردان است و در اساطیر زرتشتی، ناپاکی زنانه از او پدید آمده است. (اوستا، ۱۳۸۷ ج ۲: ۹۶۸).

از دیگر دیوهای مؤنث، می‌توان از دیو خواب نام برد (کریستن‌سن، ۱۳۵۳: ۱۵) که در شمار دستیاران مؤنث اهریمنی، به مبارزه با نیروهای اهورایی می‌پردازد. نام این دیو که در اوستا «بوشاسپ» آمده است، دیو خواب نابهنگام اهریمنی است که غالباً با صفت «درازدست» از او یاد می‌شود (اوستا، ۱۳۸۷ ج ۲: ۹۴۹). در بندهش آمده است: بوشاسپ دیو آن است که آژگهانی (تنبلی) آورد (فرنبرغ-دادگی، ۱۳۸۵: ۱۲۱) و همین دیو است که گرشاسب را در دشت پیشانسه به خواب برده است (همان: ۱۲۸). در واقع، این ماده دیو در حماسه‌های ملی، شخصیت دیوی خود را از دست داده است، اما هر بار که پهلوانی به خواب می‌رود، حوادث ناگوار و شومی برایش اتفاق می‌افتد.

۴- این ماجرا یادآور داستان اهریمن و جهی است که داستان آن در بندهش آمده: «اهریمن هنگامی که از کار افتادگی خویش و همه دیوان را از مرد پرهیزگار دید، گیج شد و سه هزار سال به گیجی فروافتاد... تا آن که جهی تبهکار، با به سر رسیدن سه هزار سال، آمد و گفت که «برخیز پدر ما! زیرا من در آن کارزار چندان درد بر مرد پرهیزگار و گاو و رزا هلم که، به سبب کردار من، زندگی نباید. فرۀ ایشان را بدزد، آب را بیازارم، زمین را بیازارم، آتش را بیازارم، گیاه را بیازارم، همه آفرینش هرمزد آفریده را بیازارم» او آن بدکرداری را چنان به تفصیل برشمرد که اهریمن آرامش یافت، از آن گیجی فراز جست» (فرنبرغ‌دادگی، ۱۳۸۵: ۵۱).

۵- بانوگشسب، فن سوزن‌نگاری و نقش‌نگاری روی پارچه را از همین «عین» پری می‌آموزد (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۵۹).

۶- نام این مرغ در متون پهلوی، مرغ کمک (Kamak) است که به دست گرشاسب کشته می‌شود. یکی از اعمال بهادرانه گرشاسب، جنگ با مرغ کمک و کشتن آن موجود اهریمنی است؛ «گرشاسب مرغ کمک را که سرش به فلک می‌رسید و از شهرهای خود خورشید و ماه را پوشیده می‌داشت و جهان را تیره و تار می‌نمود و در وقت باران پره‌های خود گشوده نمی‌گذاشت که باران به زمین برسد و پس از آن به دریا رفته آب‌ها را که به پره‌های خود گرفته بود در آنجا می‌ریخت و جهان را از قحط و غلاء به تنگ آورده بود و رود و چشمه را خشک کرده بود، با تیر بزد پس از آن در مدت یک هفته از پی او تاخت. وقتی که مرغ کمک از آسمان افتاد، جهانی از افتادنش خراب شد آنگاه گرشاسب با گرز منقارش بکوفت» (یشت‌ها، ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۰۷).

## کتابنامه

- آتونی، بهروز. (۱۳۹۰). «جادو، زیرساختی بنیادین در جهان‌بینی اسطوره‌ای». *کاوش‌نامه*. سال دوازدهم. شماره ۲۲. صص ۲۳۱-۲۵۰.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۴). «بن‌مایه اساطیری روییدن گیاه از انسان و بازتاب آن در شاهنامه و ادب پارسی». *نامه ایران*. ج ۲. به کوشش حمید یزدان‌پرست. تهران: اطلاعات. صص ۲۵۵-۲۸۷.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸). *از اسطوره تا حماسه*. چاپ دوم. تهران: سخن.
- اسدی طوسی، حکیم ابونصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). *گرشاسب‌نامه*. به اهتمام حبیب یغمایی. چاپ دوم. تهران: طهوری.
- اشمیت، ژوئل. (۱۳۸۳). *فرهنگ اساطیر یونان و رم*. ترجمه شهلا برادران خسروشاهی. چاپ اول. تهران: روزبهان و فرهنگ معاصر.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ چهارم. تهران: سروش.
- اوستا. (۱۳۸۷). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. ج ۱ و ۲. چاپ سیزدهم. تهران: مروارید.
- ایران‌شاه بن ابی‌الخیر. (۱۳۷۰). *بهمن‌نامه*. ویراسته رحیم عفیفی. چاپ اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- بانوگشسب‌نامه. (۱۳۸۲). مقدمه، تصحیح و توضیح روح‌انگیز کراچی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۹). *پژوهشی در اساطیر ایران*. چاپ هشتم. تهران: آگاه.
- حسن‌دوست، محمد. (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. ج ۲. چاپ اول. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۷). «پری در شعر مولانا، دیدار با آنیما». *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)*. شماره ۶۹ و ۶۸. سال هفدهم و هجدهم. صص ۱-۲۱.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۶۱). «یکی داستان است پر آب چشم (درباره موضوع نبرد پدر و پسر)». *ایران‌نامه*. شماره ۲. صص ۱۶۴-۲۰۵.
- خسروی جاوید، کامروز. (۱۳۸۴). «در چیستی پریان». *کتاب ماه هنر*. شماره ۸۱ و ۸۲. صص ۱۴۸-۱۵۱.
- دلاشو، م. لوفلر. (۱۳۶۶). *زبان رمزی قصه‌های پریوار*. ترجمه جلال ستاری. چاپ اول. تهران: توس.



- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۳). *پیکرگردانی در اساطیر*. چاپ اول. تهران: نی.
- سام‌نامه. (۱۳۹۲). تصحیح وحید رویانی. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۸). *جهان اسطوره‌شناسی؛ اسطوره ایرانی*. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). *سایه‌های شکار شده*. چاپ اول. تهران: چشمه.
- شریفیان، مهدی؛ آتونی، بهزاد. (۱۳۹۲). «پدیدارشناسی زن جادو (با تکیه بر شاهنامه و شهریارنامه)». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. سال ۹. شماره ۳۲. صص ۱۲۹-۱۶۷.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۷). *فرهنگ اشارات ادبیات فارسی*. جلد اول. چاپ اول. تهران: فردوسی.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ج ۲. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴). *فرهنگ نمادها*. ج ۱. ترجمه سودابه فضایی. چاپ دوم. تهران: نی.
- طغیانی، اسحاق؛ حیدری، پرویز. (۱۳۸۹). «مفاهیم پری در خسرو و شیرین نظامی». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. شماره ۱. صص ۱۲۷-۱۴۰.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*. چاپ دوم. تهران: توس.
- فرامرزانمۀ بزرگ. (۱۳۹۴). به کوشش ماریولین فان زوتفن - ابوالفضل خطیبی. چاپ اول. تهران: سخن.
- فرنیغ‌دادگی. (۱۳۸۵). *بندهش*. گزارنده: مهرداد بهار. چاپ سوم. تهران: توس.
- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۸۸). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. چاپ ششم. تهران: آگاه.
- فورداهام، فریدا. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ*. ترجمه مسعود میربها. تهران: نی.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۵۳). *آفرینش زیانکار در روایات ایرانی*. ترجمه احمد طباطبایی. چاپ اول. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- کوسج، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۷). *برزنامه (بخش کهن)*. تصحیح اکبر نحوی. چاپ اول. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- گریمال، پیر. (۱۳۴۷). *فرهنگ اساطیر یونان و روم*. جلد اول. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- لغت‌نامه. (۱۳۷۷). *علی‌اکبر دهخدا*. ج ۴. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- مادح، قاسم. (۱۳۸۰). *جهانگیرنامه*. به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی. با مقدمه دکتر مهدی محقق. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۶۳). «بویۀ پرواز». *ایران‌نامه*. سال ۳. شماره ۸. صص ۵۴-۸۶.

مختاری، محمد. (۱۳۷۹). حماسه در رمز و راز ملی. چاپ دوم. تهران: توس.  
 مزداپور، کتایون. (۱۳۷۷). «روایت‌های داستانی از اسطوره‌های کهن». فرهنگ. شماره ۲۵ و ۲۶. صص  
 ۱۰۳-۱۲۶.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). «افسانه پری در هزار و یک شب». شناخت هویت زن ایرانی (درگستره  
 پیش‌تاریخ و تاریخ). شهلا لاهیجی - مهرانگیز کار. چاپ چهارم. تهران: روشنگران و مطالعات  
 زنان.

مسکوب، شاهرخ. (۱۳۸۱). تن پهلوان و روان خردمند. چاپ دوم. تهران: طرح نو.  
 مورنو، آنتونیو. (۱۳۸۶). یونگ، خدایان و انسان مدرن. ترجمه داریوش مهرجویی. چاپ چهارم. تهران:  
 مرکز.

یشت‌ها. (۱۳۷۷). ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداود. ج اول. چاپ اول. تهران: اساطیر.  
 یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۹). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه دکتر محمود سلطانیه. چاپ هفتم. تهران:  
 جامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی